

مدیریت ریسک در بزهکاری اطفال^۱

سمیه رحیمیان گوار^۲
رضا فانی^۳

چکیده

نظام حقوقی پیشگیری از بزهکاری در زمینه بزهکاری اطفال سال‌هاست که مورد توجه جدی بسیاری از حقوق‌دانان و سیستم‌های سیاست جنایی کشورها واقع شده است. پیشگیری از بزهکاری با طی مسیر پر نشیب و فراز خود از تمامی سیستم‌های جنایی و نظریه‌پردازی‌های جرم‌شناسان، به بررسی دقیق مؤلفه‌های مؤثر بر ارتکاب بزه در بزهکاران برای کاهش یا ریشه‌کنی بزهکاری در جوامع رسیده است. این که وضعیت بزهکاری اطفال در جوامع نشانگر آینده جامعه مذکور است، منجر به تولد نظریه جدید با عنوان «مدیریت ریسک در بزهکاری اطفال» شده است. نگاهی جدید به کاهش بزهکاری و در نهایت کاهش جرم از جوامع، نیازمند توجه به بزهکاری اطفال به‌عنوان ریشه‌ای‌ترین و اصولی‌ترین روش است که با توجه به عدم مسؤلیت کیفری اطفال در جرایم، برای دستیابی به عدالت، پلی به سیاست‌های نوین «گروه‌محور» می‌زنیم و در جهت حذف بزهکاری از جامعه بر محور «مدیریت ریسک» به‌عنوان «مدیریت امنیت» با اثرگذاری بر خفیف‌ترین شکل بزه در حوزه بزهکاری، برای دستیابی به جامعه ریسک‌مدار به ارائه راهکارهای بنیادی و غیرکیفری خواهیم پرداخت. در خصوص بزهکاری در حوزه اطفال، بهترین انتخاب یکی از روش‌های پیشگیری زودرس است که می‌تواند به عنوان تخصصی‌ترین روش پیشگیری قبل از وقوع جرم در گروه اطفال محسوب گردد. پیشگیری «رشد‌مدار» با پیش‌رسی غیرکیفری موجب حذف و کاهش چشمگیر بزهکاری در حوزه اطفال می‌شود.

واژگان کلیدی

قانون، طفل، بزهکاری، مدیریت ریسک، پیشگیری

۱- تاریخ دریافت اولیه مقاله: ۱۳۹۸/۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۵/۲۵
۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (آذربایجان شرقی)، تبریز، آذربایجان شرقی، ایران
Somayehrahimyan@yahoo.com
۳- استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، آذربایجان شرقی، ایران (نویسنده مسؤل)
rfaani@ymail.com

مقدمه

وضعیت کودکان و نوجوانان در هر جامعه آینه‌ای است که به وضوح می‌توان سیمای آینده آن جامعه را مشاهده کرد (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۳). بر همین اساس، مسائل مختلف و پیچیده اطفال، خصوصاً بزهکاری اطفال از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. طفل بزهکار فردی است که قبل از رسیدن به سن هجده سالگی مرتکب جرم می‌شود و پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ طفل را فرد زیر ۱۸ سال می‌داند، مگر این که طبق قوانین داخلی کشورها، کمتر تشخیص داده شود (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

بزهکاری عبارت است از جرایم کم‌اهمیت؛ و چون اطفال معمولاً مرتکب این نوع جرایم می‌شوند، در مورد اطفال استفاده از واژه بزهکاری بهتر از استفاده از واژه مجرمیت است (همان، ۱۳۹۴، ص ۴۶)؛ زیرا بزهکاری اطفال در مقام مقایسه با بزرگسالان از پیچیدگی کمتر و سادگی بیشتری برخوردار است.

بزهکاری عوامل گوناگونی دارد و در مورد علل ارتکاب بزه نظریات، فرضیه‌ها و سیاست‌گذاری‌های بسیار متفاوتی در جهت کاهش بزهکاری مؤثر بر نرخ جرایم جامعه، در طول زمان، ساخته و پرداخته شده است و از آن جا که عدالت‌های کیفری در سیستم جنایی کشورها در خصوص بزهکاری اطفال نتایج مثبتی را همراه نداشت، موجب تولد نظریات پیشگیرانه در دستگاه‌های عدالت غیرکیفری و ترمیمی در این زمینه در گذار رشد سیاست‌های جنایی بزهکاری اطفال از توجه به بزهکار، بزه و عوامل ایجاد آن پلی به سیاست‌های نوین «گروه‌محور» بزه و بزهکاری زده شد که با عنوان «مدیریت ریسک جرم» مطرح شد و با افزایش ضریب امنیت اجتماعی از طریق سیستم‌های عدالت غیر کیفری در جهت حذف بزهکاری از جامعه برآمدند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

سیاست نوین جنایی بر محور مدیریت ریسک بزهکاری در اطفال به علت اثرپذیری از شکل خفیف بزه در این گروه خاص و نقش تعیین‌کننده این گروه از بزهکاران در جرایم ارتكابی در آینده جامعه، بر مبنای منطق کنترل‌کنندگی و تحدید بناشده است (همان، ص ۲۲). در این راستا با توجه به این‌که نظریه جامعه‌شناختی جنایی مدیریت ریسک بزهکاری در اطفال جایگاه ویژه‌ای در حوزه جرم‌شناسی خواهد داشت، با تکیه بر نظریات نوین پیشگیری

وضعی و اجتماعی و رشدمدار به ارائه راهکارهای پیشگیرانه و غیرکیفری در حوزه بزهکاری اطفال خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- مفهوم طفل

هریک از دانشمندان دید خود را از کودک به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، از زوایای مختلفی تبیین کرده‌اند. به‌طورکلی، کودک در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. در اصطلاح حقوقی، طفل یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده است. از دیدگاه فقهی، صغیر کسی است که به سن بلوغ نرسیده است (جعفری/نگرودی، ۱۳۷۲، ص ۸۷). از دیدگاه اسلام نیز معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۳ سالگی را دوره کودکی می‌نامند. از نظر حقوق بین‌الملل، پیمان‌نامه حقوق کودک، انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن را کودک برشمرده است (طه، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵). در کتب جرم‌شناسی، بزهکاران به مجرمانی اطلاق می‌شود که کمتر از سن معینی هستند بین ۷ تا ۱۶ سال و مرتکب عملی گردیده‌اند که اگر فرد بزرگسالی نیز مرتکب همان عمل شده باشد، مجرم شناخته می‌شود (معظمی، ۱۳۹۳، ص ۵۴). در روان‌شناسی بسته به سیر روند رشد فرد در دوران کودکی در ابعاد جسمی و ذهنی و عاطفی، سنین زیر ۱۲ سال دوران کودکی نام‌گرفته است (موزن زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷). به لحاظ حقوق ایران در تمامی دوره‌های قانون‌گذاری در خصوص اطفال در ایران طبقه‌بندی سنی برای اطفال در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، غیربالغ کسی است که به سن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران نرسیده باشند. قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، ضمن پذیرش سن ۱۸ سالگی به‌عنوان سن کودک و نوجوان، دوره کودکی و نوجوانی را به چند دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است (جهانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

۲- مفهوم بزهکاری

واژه بزهکاری در زبان انگلیسی و اصطلاح حقوق کام لو نه به ماهیت عمل ارتكابی مجرم، بلکه به سن او توجه دارد و بنابراین شامل جرایم کودکان و نوجوانان می‌شود. بزه به معنای گناه، خطا و جرم است و بزهکار در لغت به معنای گناهکار و خطاکار است (عباسی، ۱۳۹۱، ص ۵۲-۵۱). در رویکرد حقوقی، بزه تخطی از نظام هنجاری جامعه است که از طریق قانون جزا می‌تواند قابل پیگیری باشد (وظیفه، ۱۳۹۱، ص ۱۹). بزهکاری نوعی کجروی و هنجارشکنی است و نسبت به مفهوم جرم، گسترش معنای بیشتری دارد (همانجا).

واژه بزهکاری در اسناد و حقوق بین‌الملل به ناهنجاری‌های رفتاری و کجروی‌های اطفال اختصاص یافته است. موضوع کودکان به‌طور عام و کودکان در معرض خطر بزهکاری به طور خاص، در کنگره‌های پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران سازمانی ملل مورد توجه بسیاری قرار گرفته است (طه، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵). از نظر جرم‌شناسان، بزهکاری شامل تمامی خطاهای عمومی می‌شود که از سوی افراد بین ۱۲ تا ۲۰ ساله ارتکاب می‌یابد (معظمی، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

۳- مفهوم پیشگیری

از نظر لغوی، واژه پیشگیری به معنی جلوگیری کردن، مانع شدن، جلوی چیزی را گرفتن، پیش گرفتن و هم به معنی آگاهی و هشدار دادن است (مهروی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). در جرم‌شناسی، پیشگیری عبارت است از: جلوگیری از وقوع بزهکاری (رحیمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). ریموند گسن در تعریف پیشگیری به معنای خاص می‌گوید: از نظر علمی مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست‌جنایی است که غرض انحصاری یا غیرکلی آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن الوقوع ساختن یا ساخت و دشوار کردن احتمال وقوع آن‌هاست بدون این که به تهدید به کیفر یا اجرای آن متوسل شوند (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرایم، این واژه را چنین معنا می‌کند: هر عملی که باعث کاهش بزهکاری، خشونت، ناامنی از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات

به روش علمی شود، پیشگیری از جرایم است(رجبی پور، ۱۳۸۷، ص ۷۰). در این تعریف مشخص کردن، شناسایی و کشف کردن و همچنین حل کردن یعنی مسأله یابی آن هم با تأکید بر روش علمی، بسیار حائز اهمیت است(صاحب جمع، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

۴- مفهوم مدیریت ریسک بزهکاری اطفال

از دهه هشتاد میلادی شاهد شکل‌گیری نگرش‌های جدیدی در حیطه علوم جنایی هستیم که ماهیت آن‌ها کاملاً مدیریتی است. مدیریت در این مقاله به معنای سروسامان بخشیدن به منابع مادی و انسانی در جهت دستیابی به اهداف بلند مدت و کوتاه مدت به شیوه کاربردی و اصولی است. دیدگاه‌های جدید به جای بحث و تجزیه و تحلیل جرم و مجرم، با رویکردی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را ارزیابی می‌کند. هدف اصلی این رویکرد مدیریتی، استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی است. منطق این رویکرد مدیریتی بر آن است که تعلق امکانات و بودجه محدود سیستم قضایی کشورها به عدالت‌کیفری، نه تنها گروه‌های مختلف پریسک و کم‌ریسک را در خود جای می‌دهد، بلکه از هزینه‌های بالا و دقت پایینی برخوردار است.

بدیهی است مفهوم ریسک در موضوع مورد مطالعه باهدف ارزیابی و مدیریت مجرمان به عنوان عاملان خطرزا به واسطه میزان احتمال و شدت بزه یا شناسایی و مدیریت موقعیت‌های معد ارتکاب جرم است، نه تغییرات ناشی از اتخاذ یک تصمیم. از نظر علمی، ریسک نقطه ثقل شاخه‌ای از علم مدیریت، به نام مدیریت ریسک است(پاکنهاد، ۱۳۸۱، ص ۲۸). ریسک عبارت است از احتمال وقوع حادثه‌های که اثراتی بر محیط خواهد داشت(چرچیان بیابانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶). در خصوص بزهکاری اطفال، احتمالی بودن و بالقوه بودن احتمال ارتکاب بزه، چه در کودکی و چه در آینده می‌تواند به عنوان ریسک مورد قبول با خصیصه عدم قطعیت مطرح شود و بزهکاری در این دوره سنی، قابلیت پیش‌بینی با روش‌های آماری و بالینی مختلف را دارد.

۱- بررسی مفهوم بزهکاری اطفال بر اساس مدیریت ریسک مدار

بدون تردید پیشگیری از بزهکاری، اولویت اول در سیاست‌گذاری‌های جنایی کشورهای مختلف است. کودکان و نوجوانان به دلیل ضعف جسمی و فکری در بالاترین درجه از استحقاق برای

دریافت اقدامات حمایتی رادارند؛ زیرا اولویت سرمایه‌گذاری برای آینده جوامع، همین اطفال هستند/مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

در پرتو آموزه‌های مدیریتی، جهت سازمان‌دهی و تبیین مبانی نظری در سیستم جنایی مدیریت ریسک‌مدار، مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه‌های مختلف حقوقی، جنایی، جرم‌شناسی و...، توصیف و تبیین رویکردها، اصطلاحات و فرایندهای مورد هدف و تبیین جهت‌گیری‌های سیستم جنایی از الزامات فرایندی علم حقوق به شمار می‌آید.

طفل

حد رشد، حد تمییز، حد بلوغ

معرفی شاخص‌های علمی و قانونی اسلامی درباره دلایل عدم مسئولیت کیفری در خصوص صغار می‌تواند ضرورت پرداختن به شیوه‌های جایگزین عدالت کیفری را توجیه کند. معرفی سه شاخص اساسی حد تمییز، حد رشد و حد بلوغ جهات تمایز اطفال را از سایر اقشار جامعه بیان می‌کند.

- حد تمییز: بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و همچنین قانون تشکیل دادگاه اطفال، به عقیده قانون‌گذار سرحد تمییز و عدم تمییز در دختر ۷ تا ۹ سال و در پسر ۷ تا ۱۵ سالگی باشد؛ در حالی که اصولاً کودک ممیز(که درک مسائل کیفری مانند ضرب، جرح و قتل و درک مسائل مالی مانند خرید فروش کالا) را باید بالاتر از سن بلوغ شرعی یعنی ۹ سال تمام قمری برای دختر و ۱۵ سال تمام قمری برای پسر بدانیم.

- حد رشد: رشد آن حالتی است که در انسان مانع از تضييع مال و صرف آن در موارد غیرعقلانی می‌شود و از نظر حقوق، رشد کیفیتی نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر در رشد مدنی یا حسن و قبح در رشد جزایی را تشخیص دهد.

- حد بلوغ: در باب مسئولیت کیفری فصل دوم، بخش چهارم ق.م.ا. سال ۱۳۹۲، در باب موانع مسئولیت کیفری، در ماده ۱۴۷ سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است. اهمیت تعریف قانون‌گذار از کودک در حوزه بزهکاری در حقوق کیفری و آثار و تبعات تعیین سن کودکی موجب می‌شود به انسان کودک یا طفل، به اعتبار انسان بودن

صاحب کرامت و منزلت انسانی شود و از حق و درعین حال از تکالیف معینی برخوردار شود (مدنی قهفرخی، زینالی، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

بزهکاری

وقوع پدیده بزهکاری، واقعیتی انکارناپذیر است و چگونگی حضور کودکان بزهکار و شکل‌های برخورد با این گروه اهمیت بسزایی دارد (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱). در اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی جنایی معمولاً بزهکاری و جرم در یک ردیف قرار دادند (فرجاد، ۱۳۷۱، ص ۲۱).

بزهکاری مفهومی است که بیشتر در مورد کودکان و نوجوانان به کار گرفته می‌شود. چرا که برخی رفتارهایی که بیشتر برای کودکان و نوجوانان بر اساس اقتضای سن و ماهیتاً آن‌ها تخلف محسوب می‌شود، در صورت ارتکاب از سوی بزرگسالان تخلف شناخته نمی‌شود. مفهوم بزهکاری عبارت است از ترک انجام‌وظیفه قانونی یا ارتکاب عملی خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد؛ بنابراین اصطلاح بزهکاری غالباً معادل جرم و به‌ویژه در ارتباط با جرایم اطفال و نوجوانان به کار برده می‌شود (معظمی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). همچنین کیفیت و نوع جرایم ارتكابی توسط افراد کم سن و سال مسأله پیچیده‌ای است که باید به آن پرداخت (شامبیاتی، ۱۳۹۵، ص ۱). پیچیدگی مفهومی و استفاده‌های نابجا از واژه بزهکاری در زمینه‌های مختلف، ضرورت اختصاص واژه بزهکاری به کودکان و جرایم کم‌اهمیت را نشان می‌دهد. نگاه ما این است که بنا به باور نظام حقوقی، بسیاری از اطفال توانایی قضاوت درست در مورد اعمالشان را ندارند و این نکته مسؤلیت آنان را محدود می‌نماید؛ بنابراین سن آنان عاملی برای تخفیف یا عدم مجازات مورد استفاده قانون جزا قرار گرفته است و در مبحث معاذیر قانونی جزو عوامل رفع مسؤلیت کیفری محسوب می‌شود.

بزهکاری اطفال مطابق یافته‌های جرم‌شناسانه از عوامل متعدد خصوصاً محیطی متأثر است. در واقع، این دسته تحت تأثیر عوامل محیطی مانند خانواده و مدرسه به سراغ بزهکاری رفته، بایدها و نبایدهای کیفری را نقض می‌کنند. به نظر می‌رسد، به‌کارگیری تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه می‌تواند مانع ورود شمار زیادی از کودکان دارای مشکل به ورطه بزهکاری شود. به‌طور کلی مفهوم بزهکاری اطفال علی‌رغم تشابه ظاهری در نظام‌های کیفری

مختلف، از نظر مصداقی، متفاوت و دارای اعتبار نسبی است. این نسبییت بر جهات مختلفی چون سن، جنس، جرایم ارتكابی، مکان و زمان می‌باشد(نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در مطالعه پدیده بزهکاری و این که چرا افراد کم سن و سال مرتکب بزه می‌شوند، می‌توان دو دلیل کلی را بیان کرد:

اول- انحراف: انحراف عبارت است از هرگونه رفتاری که با هنجارهای جامعه یا گروه معین اطفال در داخل جامعه تطبیق نداشته باشد. به محض زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهای گروه اطفال در جامعه، انحراف برای اطفال به وجود می‌آید.

دوم- ناسازگاری: ناسازگاری شکل خفیفی از نقض هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. به‌طورکلی ناسازگاری اشاره به برخی صفات نامحدود به‌ویژه در بین کودکان دارد، اگر ناسازگاری برای مدت طولانی در طفلی استمرار داشته باشد، ممکن است او را تبدیل به فرد منحرف کند که برای جامعه مخاطراتی به وجود می‌آورد(وظیفه، ۱۳۹۱، ص ۴۵). البته ناسازگاری یک اتفاق عادی در بین کودکان است اما استمرار آن گاهی به دلیل محیط نامناسب و رفتار نادرست والدین صورت می‌گیرد که بزهکاری کودک را در آینده به دنبال خواهد داشت.

پیشگیری

پیشگیری از بزهکاری از نظر کلاسیک با توجه به زمان مداخله، به دو نوع پیشگیری کیفی و غیرکیفری تقسیم شده است. به‌طور سنتی در آموزه‌های جرم‌شناختی تاکنون سه نوع پیشگیری کیفی، وضعی و اجتماعی تقسیم شده است(کوشا، ۱۳۹۳، ص ۲). در مفهوم پیشگیری، کیفرهیچ‌گاه نمی‌تواند چاره‌سازی نماید و اختصاص این نوع تقسیم‌بندی در زمینه جرم-شناسی علی‌الخصوص در بزهکاری اطفال منطقی به نظر نمی‌رسد. جرم‌شناسی پیشگیری یک علم عملی است؛ به‌گونه‌ای که عملکرد و تأثیر نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌های مربوط به آن تنها در مقام عمل و با ارزیابی اثرات واقعی اجرای آن تدابیر آشکار می‌شود. مهار بزهکاری حداقل هدفی است که می‌توان برای اقدامات پیشگیرانه در نظر گرفت و برای نیل به هدف اصلی که همان حذف جرایم و پایین آوردن نرخ بزهکاری است، مدیریت ریسک‌مدار را به عنوان ابزار روش‌های پیشگیرانه معرفی می‌نماییم. کودکان و نوجوانان به دلیل ضعف

جسمی و فکری، بالاترین درجه استحقاق برای دریافت اقدامات حمایتی را دارند؛ زیرا اولویت سرمایه‌گذاری برای آینده جوامع، همین اطفال هستند (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۵-۱۲).

مدیریت ریسک مدار بزهکاری

اندیشه مدیریت ریسک برای کاهش عدم اطمینان در رفتارهای بشری مطرح شده است. مدیریت ریسک مؤثر که بر مبنای مجموعه‌ای از اصول قرار دارد، بخش مهمی از فرایند تصمیم‌سازی مدیریت‌های پیچیده سازمانی است. این نوع مدیریت فرایند تشخیص و اندازه‌گیری ریسک و توسعه تدابیری برای اداره به‌صورت ایده آل است. وظیفه مدیریت ریسک کاهش احتمال وقوع رخداد‌های نامطلوب یا کاهش شدت اثرات منفی وقایع نامطلوب می‌باشد. این فرایند را می‌توان یک فرایند تصمیم‌گیری، جهت انتخاب و اجرای باصرفه‌ترین و مؤثرترین تکنیک‌ها و اقدامات، در رویارویی با ریسک‌های مختلف سیستم، جهت به حداقل رساندن آن‌ها دانست (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۳۷). بنابراین، هدف اصلی مدیریت ریسک، تغییر محیط به معنی تغییر ریسک بالا به پایین‌ترین حد ممکن است، نه لزوماً حذف کامل ریسک. انتخاب بهترین تکنیک برای مدیریت ریسک نیازمند تصمیم‌سازی‌های پیچیده و دشوار از طریق برنامه‌ریزی نظام‌مند به دست می‌آید. مرحله بعد، شناسایی ریسک موردنظر است که از طریق تکنیک‌های متنوعی مانند چک‌لیست‌ها، پرسش‌نامه‌ها و ... تهیه می‌شود. تحلیل ریسک، شامل تحلیل فاکتورهایی از ریسک است که به‌طور ذاتی در فرایند رخ می‌دهند. در ادبیات مدیریت ریسک، مجموعه دو فاز شناسایی ریسک و تحلیل ریسک را تحت عنوان ارزیابی یا سنجش ریسک می‌شناسند (همان، ص ۴۱). در مرحله نهایی مدیریت ریسک هدف اصلی، نظارت بر وضعیت ریسک‌های شناسایی‌شده و ریسک‌های جدید، حصول اطمینان از اجرای صحیح واکنش‌ها و تازه‌سازی مرتب شیوه‌ها با تغییرات مکرر ریسک می‌باشد (هاتفی، ۱۳۸۷، ص ۷).

چالش اصلی مدیریت ریسک ایجاد امنیت است. امنیت به معنای فقدان عوامل تهدیدکننده فرد به لحاظ جسمانی و روانی و همچنین نبود عوامل از بین برنده نظم است. بهترین نوع پیش‌گیری که بیشترین کارایی را در وادی عمل دارد، پیشگیری غیرکیفری با رویکرد مدیریتی در جامعه

ریسک‌مدار و عدالت‌محور است(کوشا، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

اولریش یک نخستین بار مفهوم جامعه‌ریسک‌مدار را مطرح می‌سازد. جامعه ریسک‌مدار نظریه‌ای اجتماعی است که ایجاد و مدیریت ریسک‌ها در جامعه مدرن را تشریح می‌کند. بر مبنای این نظریه، جوامع امروزی تبدیل به محیط‌هایی پرریسک شده است. مدیریت ناامنی ناشی از آسیب‌های بالقوه و ناشناخته محور غالب شده و چنین جوامعی در جهت پاسخ‌دهی به ریسک، سازماندهی شده‌اند(چرچیان بیابانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). این که جامعه ریسک‌مدار باید به مسأله بزهکاری به‌عنوان پدیده‌ای انسان ساخته بپردازد، مقوله مدیریت ریسک در جرم و بزهکاری را مطرح می‌سازد.

سیاست جنایی ریسک‌مدار مجموعه راهکارها، اقدامات پیشگیرانه و واکنش‌ها اقدامات کیفری و غیر کیفری، قهرآمیز و غیر قهرآمیز است که درصدد پاسخ به ریسک ارتکاب جرم می‌باشد(خانعلی پور اجاره گاه، ۱۳۹۰، ص ۱۰). سیاست جنایی ریسک‌مدار این اندیشه را در دل خود دارد که در جامعه انسانی وقوع بزهکاری امری به‌هنگام و ذاتی است و جامعه‌عاری از جرم وجود ندارد؛ بنابراین باید به دنبال کنترل جرم و تقلیل آن به یک حد قابل قبول از نظر شدت و نرخ ارتکاب با تفکیک‌های گروه‌محور باشیم. واکنش به گروه بزهکار، منوط به قرارگیری در گروه‌های پرریسک و کم‌ریسک مجرمانه است(چرچیان بیابانی، ۱۳۹۴، ص ۸). کاملاً مسلم و بدیهی است که متولیان و مدیران سیاست جنایی در مقابله با پدیده مجرمانه، پیشگیری و مهار آن موفق خواهند بود(رحیمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

در تعریف مدیریت ریسک‌مدار جرم می‌توان گفت مجموعه برنامه‌ریزی‌های کنترل جرم که محور آن‌ها ریسک سنجی و ارائه پاسخ‌های مبتنی بر ریسک جرم است(چرچیان بیابانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). در مدیریت ریسک‌مدار بزهکاری، مجرمان پرخطری را که نمی‌توان با نظارت و کنترل در جامعه از ارتکاب جرم بازداشت، با ابزار کیفری، ناتوان می‌سازند و سایر مرتکبان نیز در بستر جامعه و از طریق ابزار غیرکیفری، مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند، یا از ارتکاب بزه بازداشته می‌شوند(ممو، ص ۱۲). به‌طورکلی این نگرش، دو نوع مدیریت ریسک را در خود جای می‌دهد:

الف- مدیریت کیفری ریسک جرم که ابزار عمده ناتوان‌سازی آن حبس است.

ب- مدیریت جرم‌شناسی ریسک بزهکاری که بر محور پیشگیری قرار دارد. انتخاب مناسب‌ترین وضعیت پیشگیری از بزهکاری بر اساس توجه به گروه منتخب و نوع بزه ارتكابی است. درنهایت، این سیاست‌جنایی ریسک‌مدار است که با مدیریت داده‌های جمع‌آوری‌شده باید به تحقق حقیقی مدیریت ریسک‌مدار بزهکاری در گروه هدف بپردازد و به جای آن که به تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن توجه نماید، ریسک علل پیدایش جرم را از طریق شناسایی گروه‌های هدف پرخطر، ارزیابی کند. در مقوله مدیریت ریسک جرم اسباب و ابزار پیشگیری وضعی مطرح می‌شود؛ اما این روش پیشگیری در خصوص اطفال نه‌تنها کافی نیست؛ بلکه کارایی لازم را نیز ندارد. با توجه به این که گروه محور در این پژوهش گروه اطفال بزهکار است، راهکارهای پیش‌گیری رشد‌مدار گوی سبقت را از پیش‌گیری وضعی می‌رباید.

در این مقاله تلاش نگارنده بر این است که با تفکیک گروه اطفال بزهکار از گروه‌های طبقه بندی‌شده در جرم‌شناسی ریسک‌مدار پیشگیرانه طبقه جدیدی ایجاد کند که منحصرأ به گروه کودکان و نوجوانان تعلق دارد. این تفکیک به دلایلی می‌تواند کارسازی این نوع مدیریت-ریسک را افزایش دهد و همسو با جهت‌گیری‌های پویا و متحولانه ساختار این نوع رویکرد مدیریتی باشد؛ بنابراین طبقه‌بندی جدید می‌تواند سه گروه را در خود جای دهد:

الف- گروه مجرمان پرریسک، پرخطر، دانه‌درشت: این گروه از مجرمان درصد کمی از افراد جامعه هستند که بیشترین جرایم از نظر شدت و تعدد را مرتکب می‌شوند.

ب- گروه مجرمان کم‌ریسک، معمولی، دانه‌ریز: این گروه از مجرمان با توجه به نوع جنحه‌های خفیف ارتكابی که از نوع جرایم خرد است و هم کمتر اتفاق می‌افتد که تکرار شود و یا به جنایت تبدیل شود. در دسته مجرمان با کیفرهای خفیف و اعمال محدودیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

ج- اطفال بزهکار: گروه سوم را نمی‌توان مجرم نامید؛ زیرا با توجه به مفهوم طفل که در سیاست‌های جنایی مختلف فاقد مسؤولیت کیفری هستند. در مورد اطفال استفاده از واژه بزهکاری بهتر از استفاده از واژه مجرمیت است (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۴۶)؛ بنابراین با توجه به طبقه‌بندی سنی اطفال در نظام‌های مختلف جنایی واژه بزهکاری به دلیل خفیف‌تر بودن و کم

اهمیت‌تر بودن بزه از ناحیه اطفال مورد استقبال واقع شده است.

پیشگیری ریسک‌مدار بر پایه حق درست تربیت شدن در کارکرد پیشگیرانه و اصولی بر بزهکاری کودکان در پرتو تدابیر سیاست‌های جنایی غیرکیفری بنا شده است. در واقع، اطفال و نوجوانان حقی به‌عنوان حق بر پیشگیری از بزهکاری دارند که به‌موجب آن کودکان از طریق تدابیری از ارتکاب بزهکاری بازداشته می‌شوند؛ بنابراین، حمایت از کودکان بزهکار در عرصه سیاست‌جنایی دارای دو شکل واکنشی و کنشی است؛ البته با این تفاوت که تدابیر حمایت کنشی از ورود کودکان به ورطه بزهکاری جلوگیری کرده، همواره بر کاهش بزهکاری کودکان متمرکز است (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۸۹).

ب- تبیین رویکرد پیشگیرانه مدیریت ریسک بزهکاری اطفال

رویارویی با مسأله بزهکاری اطفال امروزه دغدغه مربیان، متخصصان و سیاست‌گذارانی است که معتقدند کودکان امروز، شهروندان فردا و بقاء، حمایت و توسعه پیشگیری از بزهکاری اطفال پیش‌شرطی برای توسعه آینده بشریت است (معظمی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). به‌دلیل اجتماعی بودن اساس این پیشگیری ممکن است نتایج آن، باوجود دلایل متنوع و اثرگذار بر بزهکاری، مبهم و غیر کارآمد باشد؛ ولی درعین‌حال تمامی مکاتب جرم‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه‌ای‌ترین روش محو بزهکاری و جرم از جامعه نجات کودکان از ورطه بزهکاری است. امروزه امنیت در شمار اصلی‌ترین ارزش‌های انسان اجتماعی است و شیوه‌های واکنشی مجازات و کیفر خود می‌تواند در جامعه ایجاد وضعیت ناامن را اثبات کند همچنین شیوه‌های پیشگیری وضعی از جرایم و بزهکاری نیز این مفهوم را در جامعه القا می‌کند که جرم وجود دارد و در صورت نقصان دوربین‌های مداربسته یا حتی ترک فعل نگهداری ممکن است به‌سرعت منجر به وضعیت جرم‌زا در جامعه شود. این احساس ناامنی نازیباترین حالت درونی یک جامعه است که خیزش ناگهانی جرم را از گوشه و کنار جامعه نشان می‌دهد.

دستیابی به رهیافت‌های کیفری و غیرکیفری مدیریت ریسک جرم در جوامع یکی از خوشایندترین اتفاقات در حوزه سیاست‌جنایی و علم جرم‌شناسی بوده است؛ زیرا پس از شکست سیاست‌های اصلاح و درمان بزهکاران، دیدگاه تازه‌ای متولد شد که با نگاه مدیریتی

خود، تمامی عرصه‌های سیاست‌جنایی را تحت‌الشعاع قرارداد. سیاست‌جنایی ریسک مدار این اندیشه را در دل خود دارد که در جامعه انسانی وقوع بزهکاری امری بهنجار و ذاتی است و جامعه عاری از جرم وجود ندارد؛ بنابراین باید به دنبال کنترل جرم و تقلیل آن به یک حد قابل قبول از نظر شدت و نرخ ارتکاب باشیم. رویکرد مدیریت ریسک بزهکاری اطفال تمام شیوه‌های کیفری را کنار می‌زند و مفهوم جرم‌شناسی پیشگیرانه ریسک‌مدار را با عنوان مدیریت غیر-کیفری ریسک بزهکاری را با گرایش به روش‌های پیشگیرانه مطرح می‌سازد.

مدیریت غیرکیفری ریسک بزهکاری

اندیشه‌های مدیریتی نوین تقریباً هم‌عصر با برخی تحولات اجتماعی و نیز دگرگونی اندیشه‌های کیفری شکل‌گرفته‌اند. انتخاب بهترین تکنیک‌ها برای مدیریت ریسک یکی از مراحل پراهمیت فرایند تصمیم‌گیری است که بسته به نوع و پیچیدگی موضوع، فرایندهای مختلفی برای آن وجود دارد. مدیریت غیرکیفری ریسک یک برنامه‌ریزی کاملاً متحول و پویا بوده و مرتباً نیاز به بازنگری و تغییر و تحول دارد؛ بنابراین دلیل فرایند تصمیم‌گیری در مورد ریسک و مدیریت آن هم ایستا نیست. مدیریت ریسک غیر کیفری پیشگیری وضعی را با ویژگی‌های فناورانه و نو برای تضمین امنیت داخلی را هدف اصلی خود قرار داده است (رضوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳).

هدف مدیریت غیرکیفری ریسک جرم

مدیریت ریسک جرم، به‌عنوان یکی از شیوه‌های نوین پاسخ‌دهی به جرم، تفاوت بنیادینی با مکاتب سنتی دارد که گویی در آن انسانیت بزهکار به دست فراموشی سپرده شده است و هدف تأمین امنیت، همه‌چیز حتی نادیده گرفتن حقوق بنیادین شخص را توجیه می‌کنند درحالی‌که حفظ امنیت و نظم اجتماعی خود در سایه تحقق ارزش‌هایی مانند عدالت، آزادی، برابری و رفتار انسانی با همگان حتی بزهکاران میسر می‌شود (رضوانی، ۱۳۹۱، ص ۲۶). شاید زمانی هدف اصلی اصلاح بزهکاران در پروسه کیفری بود اما در حال حاضر باز توانی و اصلاح مجرمان جای خود را به خیزش ناتوان‌سازی مجرمان داده است. در مدیریت ریسک غیر کیفری این ناتوان‌سازی در حوزه پیشگیری انجام خواهد گرفت.

انتخاب گروه محور مدیریت ریسک

رویکرد مدیریت ریسک نوین، مرتکب را نه به صورت انفرادی، بلکه در یک گروه و دسته، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی، موجب قرار گرفتن هر مرتکب در یکی از گروه‌های از پیش تعیین شده، همراه با اعمال اقدامات و تدابیری است که شدت و وسعت آن کاملاً منطبق با میزان ریسکی است که گمان می‌رود طبقه مذکور برای جامعه خواهد داشت؛ بنابراین واکنش سیستم در قبال مرتکب جرم، منوط به این است که وی در کدامیک از دسته‌های پریسک و کم ریسک قرار گیرد.

با روشن شدن مفهوم طفل در رویکردهای حقوقی، قانونی، جرم‌شناسانه و ... گروه منتخب، اطفال بزهکار و در معرض خطر بزهکاری هستند که به صورت یک گروه در بستر جامعه مورد ارزیابی توسط ابزارهای پیشگیرانه قرار می‌گیرند که به دلیل ضعف جسمی و ذهنی در این دوران، مستحق حمایت هستند و باید شرایط مناسبی برای آنان فراهم شود تا در مسیر رشد گرایش به بزهکاری پیدا نکنند (طه، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

به نظر می‌رسد، به کارگیری تدابیر پیشگیرانه می‌تواند مانع ورود شمار زیادی از کودکان دارای مشکل به ورطه بزهکاری شود (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸)؛ لذا با تدوین و اجرای طرح‌های جامع پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، باید تا حد امکان از قرار گرفتن کودک در ورطه بزهکاری و بزهکار شدن، خودداری کرد. اقداماتی با محوریت استراتژی اجتماعی کردن و سازگاری کودک و نوجوان از طریق خانواده، جامعه، مدرسه، گروه هم‌سالان، مدارس آموزش حرفه‌ای و تخصص و مشاغل متنوع با توجه به کودکان آسیب‌پذیر، مطلوب است (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵). کودکان در بین گروه‌های مختلفی که جوامع برای پیشگیری از بزهکاری روی آن کار می‌کنند، از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند. شما وقتی یک کودک را اصلاح کنید، نخست، آینده جامعه را ایمن کرده‌اید و دوم، امیدتان به سالم بودن نسل بعد هم افزایش پیدا کرده است؛ بنابراین عاقلانه و منطقی است که جوامع برای پیشگیری از جرم جرم و بزهکاری به سراغ کودکان و نوجوانان بروند.

سیاست پیشگیرانه از منظر جرم‌شناسی، حقوق‌بشر و اسلام

تدابیر پیشگیرانه با ماهیت کنش یا غیرتهدیدآمیز باید پیش از وقوع بزهکاری کودکان به کار گرفته شود تا از ورود اطفال به عرصه بزهکاری جلوگیری کنند (عباسچی، ۱۳۸۳، ص ۷۴). این تدابیر از منظر حقوق‌بشر، جرم‌شناسی و همچنین نگاه اسلامی قابل‌توجه هستند. به این صورت که اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب جرم‌شناسانه به‌منظور جلوگیری از گرایش کودکان به سمت بزهکاری از جمله حقوق بنیادی این دسته است و ضمن متناسب‌سازی شرایط زندگی آنان، موجبات شکل‌گیری درست نظام رفتار کودکان و فراگیری آموزه‌های پرورشی را فراهم می‌آورد (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸). سازمان ملل متحد در رهنمودهایی که برای پیشگیری از جرم ارائه کرده است، اعلام داشته که محور پیشگیری از جرم، توجه به دوران کودکی است.

تدابیر منحصر به فرد و طرح ریزی شده قرآن کریم نیز در ارتباط با پیشگیری و مقابله با جرایم، تحت عنوان سیاست‌جنایی اسلام با بیان توصیفی و تحلیلی، حول مبانی قرآنی این سیاست بحث می‌کند و مشخص می‌کند که راهکار اسلام در مقابله با جرایم تنها شیوه تقابلی، مجازات و برخورد با مجرم بعد از وقوع جرم نیست؛ بلکه منطقه وسیعی از عملکرد افراد در حوزه شخصی و اجتماعی را شامل می‌شود و در طرح ریزی این سیاست، به انسانیت انسان و تربیت و اصلاح او توجه بیشتری شده است؛ زیرا برنامه اسلام، سعادت تمام بشریت است و مشخصه این سیاست را می‌توان کارآمد بودن آن در تمام اعصار دانست. چگونگی این امر وابسته به حفظ و تحکیم مصالح فرد و اجتماع مطابق با مقتضیات زمان و مکان است (جان‌جان، ۱۳۹۰، ص ۹۹). اهتمام اسلام در پیشگیری و شیوه صحیح رفتار متقابل انسان‌هاست و این نشان دهنده این امر است که در سیاست‌های جنایی اسلام، هیچ‌گاه نوبت به مجازات نمی‌رسد و مجازات برای افرادی است که ظلم می‌کنند و گذشت از آنان، موجب به مخاطره افتادن مصالح فرد، جامعه، حکومت و اسلام شود (جان‌جان، همان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

تفکیک مدیریت ریسک جرم و بزهکاری اطفال

در این مقاله تلاش بر آن است که مفهوم مدیریت ریسک بزهکاری اطفال به دو طبقه مجرمان پرخطر و کمخطر تقسیم شود؛ بنابراین مدیریت ریسک در دو رهیافت کیفری و غیرکیفری پیشگیرانه وضعی می‌تواند رهیافت جدیدی با عنوان مدیریت ریسک بزهکاری اطفال را از طریق ابزارهای پیشگیرانه رشدمدار، اجتماعی و وضعی عنوان کند؛ زیرا رهیافت کیفری و غیرکیفری وضعی در خصوص اطفال بزهکار، ابزار کارآمدی محسوب نمی‌شود و با توجه به ذات پویا و متحولانه سیستم‌جنایی مدیریت ریسک‌مدار نیازمند ابزارهای جدید با توجه به گروه هدف مدیریت ریسک هستیم.

رهیافت کیفری مدیریت ریسک جرم

از آن جا که کاربرد رهیافت کیفری در خصوص اطفال بزهکار نمی‌تواند توجیه قانونی و حقوق‌بشری داشته باشد، در این پژوهش از پرداختن به این رهیافت اجتناب شده است.

رهیافت غیرکیفری مدیریت ریسک جرم

در تمامی تألیفات و مقالات هم‌زمان با واژه مدیریت غیرکیفری ریسک جرم به رویکرد پیشگیرانه وضعی برخورد می‌کنیم. پیشگیری وضعی فرایند مشهور گذار از اندیشه به عمل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقداماتی به عمل می‌آورد تا این فرایند را قطع کند/مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۲۶). پیشگیری از جرم معمولاً از طریق اجرای قانون و مجازات‌ها، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و برنامه‌های توسعه اجتماعی انجام می‌گیرد. اجرای قانون و اقدامات تنبیهی تلاش دارد تا فرصت‌های افراد برای ارتکاب جرم را محدود کند که از طریق آموزش مؤثر و تنبیه مجرمان می‌تواند انجام شود. کاهش فرصت شامل اقداماتی طراحی محیطی می‌شود که به عنوان پیشگیری وضعی شناخته شده است.

پیشگیری اجتماعی نوع دیگری از انواع پیشگیری‌نویین است. پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت شناسی جرم است. پیشگیری اجتماعی زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد؛ ولی پیشگیری وضعی، فرصت و امکان وقوع آن را کاهش می‌دهد یا دشوار می‌سازد/رایجیان

اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱). در یک نظام غیرکیفری پیشگیری از جرم اقدامات پیشگیرانه بر یک مبنای شش‌گانه استوار است:

- **تعیین آماج جرم:** یعنی تعیین مخاطبان برنامه پیشگیرانه.
 - **تعیین تئوری پایه جرم‌شناسی:** تعیین علل و عوامل بروز جرم بر اساس دیدگاه‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی.
 - **تعیین اهداف پیشگیری:** تعیین اهداف جزئی و عملیاتی و قابل ارزیابی.
 - **انتخاب نوع پیشگیری:** تعیین یکی از انواع پیشگیری برحسب اهداف.
 - **تعیین متولی اقدامات پیشگیرانه:** انتخاب مجری طرح پیشگیری.
 - **انتخاب مدل ارزیابی مناسب:** مدل ارزیابی یعنی شیوه محاسبه کم و کیف.
- در مجموع سیاست‌های پیشگیری باید سه مرحله را در پیشگیری غیرکیفری از جرم موردتوجه قرار دارد. مرحله اول، پیش از وقوع جرم در این مرحله باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه نمود و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را بر اساس آن سازمان‌دهی کرد. مرحله دوم، وقوع جرم و مرحله سوم، مرحله پس از وقوع جرم. در این تقسیم بندی پیشگیری وضعی در مرحله دوم در کاهش شرایط و موقعیت‌های معد جرم حین وقوع آن مانند کارگذاشتن دوربین های مدار بسته یا نگهبان در محلات خلوت جهت جلوگیری از سرقت مؤثر است. سیاست پیشگیری وضعی در خصوص اطفال، همانند دیگر مجرمانی عمل نخواهد کرد که به نظر بنیام همچون تاجری سود و زیان ناشی از جرم را می‌سنجند و در صورت تفوق سود احتمالی جرم را انجام می‌دهند؛ زیرا هنوز به حد بلوغ و حد رشد و حد تمییز نرسیده‌اند و نمی‌توانند مفاهیم سود و زیان جرم را تشخیص دهند. در مرحله سوم نیز پیشگیری‌های اجتماعی جهت بازتوانی مجرم و بزه‌دیده و برگشت بزهکاران به جامعه نقش مؤثری دارد. تمامی این دلایل می‌تواند ابزاری جدید را در مدیریت ریسک بزهکاری اطفال جستجو کند تا بتواند سنجش و ارزیابی دقیق و کارا داشته باشد و به کوتاه‌ترین عملکرد مدیریتی در کاهش بزهکاری و موقعیت‌های بزه منجر شود.

رهیافت مدیریت ریسک بزهکاری اطفال

اصولاً بزهکاری عبارت است از جرایم کم‌اهمیت و طفل بزهکار فردی است که قبل از

رسیدن به سن هجده سالگی، مرتکب جرمی شود. از آن جا که اطفال دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین هستند؛ لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود. رهیافت مدیریت ریسک بزهکاری اطفال تحت عنوان سیاست غیرکیفری مربوط به کودکان و نوجوانان بزهکار اهمیت فراوانی دارد. بهترین و نزدیکترین سیاست و تئوری نزدیک به این رهیافت پیشگیری رشدمدار می باشد که به معرفی و بررسی مزایا و معایب و اهداف آن می پردازیم.

پیشگیری رشدمدار

منظور از پیشگیری رشدمدار مداخلاتی است که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جنایی در افراد صورت می گیرد، به ویژه مداخلاتی که هدف آن ها عوامل خطر بزهکاری و عوامل حمایت کننده ای است که در تحقیقات درباره رشد انسان کشف شده است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی بلافاصله پس از تولد و حتی قبل از آن نیز تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار دارد و شخصیتش در تعامل با محیط اجتماعی پیرامون وی شکل می گیرد؛ لذا پیشگیری اجتماعی به دوشاخه پیشگیری جامعه مدار و رشدمدار تقسیم می شود (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

در پیشگیری جامعه مدار، اقدامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشگیرانه محیط اجتماعی اعمال می شود و در پیشگیری اجتماعی رشدمدار عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در نهادهای جامعه پذیری نخستین خانواده، مدرسه و گروه همسالان و رسانه مورد شناسایی و ارزشیابی قرار می گیرد و با اتخاذ تدابیر مناسب و مرتفع کردن شرایط خطر در این محیطها پیشگیری را محقق می نماید (خواجہ نوری، ۱۳۸۳، ص ۳۱۰).

ظهور و اشاعه پیشگیری رشدمدار معمولاً به تحقیقات دیوید فرینگتون استاد جرم شناسی روان شناختی در مؤسسه جرم شناسی دانشگاه کمبریج و همکارانش نسبت داده می شود. فرینگتون عقیده داشت که بزهکاری جزئی از سندروم بزرگتر رفتار ضد اجتماعی است که در کودکی شروع شده تا بزرگسالی ادامه می یابد و شروع زودرس بزهکاری به دلیل «پتانسیل نهفته» نشان دهنده فعالیت های مجرمانه بعدی است. او معتقد است که نشانه های شخصیت ضد اجتماعی را در بین بزهکاران حرفه ای و مزمن می توان در کودکی

می‌توان تشخیص داد و درمان کرد (Farrington and Welsh, 2008, P.50, 51) فرینگتون پیشگیری رشدمدار را به مداخلاتی که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جرم در افراد طراحی شده است، تعریف می‌کند (National Crime Prevention, Australian, 1999, P.10).

رویکرد رشدمدار، رشد را حرکتی ثابت و مستقیم نمی‌داند که از کودکی آغاز و به بزرگسالی ختم می‌شود؛ بلکه آن چه را که در مسیر رشد اتفاق می‌افتد، یک سلسله مراحل گذار و نقاط تحول می‌داند. این مراحل و نقاط تحول جایی است که مداخلات می‌تواند بسیار مؤثر باشد. مطالعات متعدد پیشگیری رشدمدار حاکی از آن است که موقعیت ضعیف اجتماعی- اقتصادی، الگوهای تربیتی نادرست والدین و همسالان به شدت کودک را در معرض خطر بزهکاری قرار می‌دهد، به همین دلیل مداخله مناسب در مسیر و مراحل رشد راهبرد اصلی پیشگیری رشدمدار است.

با توجه به مطالب فوق، پیشگیری رشدمدار به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان و نهادهای اولیه جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه، همسالان است و هدف آن از بین بردن یا بهبود عوامل خطر بزهکاری و نیز ایجاد عوامل حمایتی برای تقویت مقاومت افراد در مقابل گرایش به بزهکاری در آینده است (متولی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

مزیت پیشگیری رشدمدار برای نسل آینده

رفع عامل خطر بزهکاری از زندگی اطفال و نوجوانان به وسیله پیشگیری رشدمدار، امروز اقدامی اساسی در بهبود وضعیت نسل بعدی است. از لحاظ منطقی، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ای مقرون به صرفه است که امکان بازدهی و بهره‌وری هر چه بیشتر و طولانی‌تر از آن وجود داشته باشد. از مهم‌ترین دلایل گرایش سیاست‌جنایی کشورها به پیشگیری رشدمدار، کارکرد ضعیف سایر انواع اقدامات پیشگیرانه است. مقام معظم رهبری در محورهای شش‌گانه ابلاغی به دستگاه قضایی، توصیه‌های مکرری در حوزه پیشگیری که تأکید بر پیشگیری فراقوه‌ای دارد، فرموده‌اند (مسعودیفر، ۱۳۹۴). این نوع پیشگیری در مراحل رشد که برای حذف و خنثی کردن عوامل خطر و تقویت عوامل حمایت‌کننده رویکردی خطر محور دارد، تجربیات موفقیت‌آمیزی از اجرای آن به دست

آمده است؛ در نتیجه اقدامات پیشگیری زودرس در مورد عوامل خطر، بسیار مؤثرتر از تدابیر سنتی مربوط به کنترل جرم است/محمد نسل، ۱۳۸۷، ص ۳۶۵.

رویکرد پیشگیری رشدمدار مصداق بارز مداخلات کنشی و فعالانه در پیشگیری از وقوع جرم است. در واقع، پیشگیری رشدمدار نتایج حاصل از تحقیقات درباره عوامل خطر بزهکاری را با سیاست‌ها و مداخلات پیشگیری پیوند داده و به دنبال آن است که سیاست‌ها و نظریه‌های مفید به سمت مدیریت کارا و عملی با رویکرد پیشگیری رشدمدار حرکت نماید.

معایب انتخاب مدیریت ریسک رشدمدار

همچنان که محاسن و مزایای پیشگیری رشدمدار را مورد بررسی قرار دادیم، انتقاداتی را نیز که به این روش وارد است مطرح می‌نماییم:

الف- با توجه به این که پیشگیری رشدمدار از مداخلات و سیستم پیشگیری زودرس پیروی می‌کند، قبل از وقوع جرم به سراغ عوامل خطر و اشخاص در معرض خطر می‌رود که جنبه نشان‌گذاری و برچسب زدن بر افراد، خانواده‌ها و محلات را داشته باشد. اجرای پیشگیری رشدمدار و مداخلات مربوط به آن نباید موجب شرمساری اطفال، خانواده‌ها و جوامع محلی باشد.

ب- با توجه به راهکارهای اجرای پیشگیری رشدمدار که بر شناسایی عوامل خطر و افراد در معرض خطر و انجام مداخلات مناسب در زمینه رفع عوامل خطر تأکید دارد، این امر مستلزم تخصیص منابع مالی و انسانی هنگفتی است. این انتقاد نیز با توجه به ثمربخشی این روش در پیشگیری از چند نسل می‌تواند توجیه‌کننده اختصاص منابع مالی از طرف سیاست‌گذاران جنایی باشد و منابع مالی آن نیز می‌تواند از صرفه‌جویی در روش‌های کیفری غیر مؤثر مانند ساختن زندان‌ها تأمین شود.

ابزار پیشگیری، مؤلفه‌های مؤثر بر پیشگیری بزهکاری اطفال

از نظر پیشگیری رشدمدار شاخصه‌های روان‌شناختی و رفتاری و کارکردهای نهادهای نخستین جامعه‌پذیری می‌تواند به‌عنوان ابزار شناسایی و سنجش عوامل ایجادکننده تغییر

رفتار و مستعد بزهکاری را نمایان سازد. در سیاست‌جنایی بزهکاری اطفال با رهیافت پیشگیری‌رشدمدار می‌توان با استفاده از ابزارهای پیشگیری رشد مدار و تلفیق آن‌ها با ابزار پیشگیری وضعی به بهترین نتیجه در زمینه مدیریت سریع و کارآمد در بزهکاری رسید و با کاهش نرخ و تعدد بزهکاری در آینده و همچنین اصلاح دیدگاه و رفتارهای جرم‌انگاران اطفال به نسل آینده بزرگسال و کودک و نوجوان خدمت کرد. عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است؛ نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و ...، عواملی که می‌توان به‌عنوان ابزار شناسایی و سنجش بزهکاری از آن نام برد:

۱- **خانواده:** خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و هنجارها را می‌آموزد. علی‌رغم این که بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل‌اند، در گام نخست، خانواده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اطفال دارند. چنان که با تربیت درست می‌توانند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند.

۲- **عوامل اقتصادی:** فقر از عوامل اصلی ایجاد بزهکاری است؛ کمبود امکانات نظیر امکانات بهداشتی، خوراک، پوشاک و مسکن باعث می‌شود نیازهای اشخاص برطرف نشده، موجب تحریک و ترغیب آن‌ها به ارتکاب بزه‌های مختلفی می‌شوند. در چنین شرایطی برخی والدین از کودکان خود برای ارتکاب جرایمی همچون سرقت استفاده می‌کنند و یا با وادار کردن فرزندان‌شان به تکی‌گری آن‌ها را وسیله‌ای برای امرار معاش قرار می‌دهند.

۳- **نقش دوستان و همسالان:** از دیگر عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال، دوستی با افراد فاسد و بی‌بندوبار است. نوجوان اغلب رفتار خود را با الگوهای رفتاری دیگر دوستانش همانندسازی می‌کند و به‌شدت از آنان اثر می‌پذیرد. از این‌رو احتمال دارد با

تحریک و تشویق دوستان ناباب خود دست به اعمال ضداجتماعی و خلاف بزند.

۴- **عوامل روان‌شناختی:** روان‌شناسان عوامل گوناگونی را برای بزهکاری اطفال احصا کرده‌اند. بزهکاری با صفات روان‌شناختی مختلف و متنوعی همراه است که برخی از آن‌ها عبارتند از هوش کمتر از متوسط، خلق‌وخوی پرخاشگرانه.

د- عوامل اجتماعی: جامعه بی‌ثبات دایم دچار هرج و مرج و بی‌نظمی از قبیل جنگ، شورش، اختلافات طبقاتی، آلودگی هوا، وضع بد سکونت، جمعیت بالا و... قطعاً شرایط و بستر مساعدی را برای ارتکاب بزه فراهم می‌کند و بالعکس جامعه‌ای که از ثبات و نظم اجتماعی واقعی برخوردار است، می‌تواند به‌مرور زمان ریشه‌های بزهکاری و عوامل آن را در خود بخشکاند.

تبدیل این ابزارها به آسان‌ترین راه اندازه‌گیری در مدیریت‌جنایی ریسک بزهکاری اطفال بر عهده متخصصان و مدیران در زمینه مدیریت‌ریسک جرم‌شناسانه است و می‌توان از روش‌های بالینی از طریق دریافت اطلاعات رفتاری کودک از مدرسه و نهادهای آموزشی و همچنین اطلاعات آماری مربوط به تولد و تعداد فرزندان در هر خانواده و همچنین دریافت اطلاعات بزهکاری از سیستم‌قضایی می‌توان به نتایج دقیقی جهت ارائه راهکارهای پیشگیرانه و اثرگذاری سریع در سنین پایین‌بر رفتار و شخصیت اطفال به بهترین نوع پیشگیری رسید. باید توجه کرد ابزارهایی که در روش پیشگیری رشدمدار مورد استفاده قرار می‌گیرد دارای ویژگی‌های حقوقی نیستند و در این‌جاست که سیاست‌جنایی مدیریت بزهکاری اطفال، ویژگی بین‌رشته‌ای بودن خود را نشان می‌دهد. پیشگیری از بزهکاری به مشارکت همه‌جانبه کلیه نهادها نیازمند است (UN, 2010, P.22). در واقع، پیشگیری از بزهکاری به همکاری همه نهادهای رسمی و جامعه‌ای نیازمند است (لازرز، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰).

ویژگی‌های مدیریت‌ریسک بزهکاری اطفال

در کاهش بزهکاری اطفال در سیستم‌جنایی مدیریت‌ریسک بعد از انتخاب رهیافت پیشگیری‌رشدمدار برای موفقیت مدیریتی باید ویژگی‌هایی را در این حوزه مدنظر قرار دهیم:

- زمان محور بودن و زودهنگام بودن پیشگیری: محققان اعلام کرده‌اند که اطفال در سنین ۵-۱۰ سالگی به‌واسطه بروز رفتارهای توأم با خشونت و به‌طورکلی ناسازگاری در محل اقامت و دوره پیش‌دبستانی قابل‌شناسایی هستند. این بهترین ابزار دستیابی به اطلاعات واقعی و کاربردی در خصوص اطفال است که با شناسایی زودهنگام رفتار ضدا اجتماعی برای رفع عوامل خطر متناسب با سن کودک از طریق تلفیق روش‌های

پیشگیری رشدمدار و یا وضعی و ایجاد اقدامات و عوامل حمایتی از بزهکاری اطفال در جامعه پیشگیری می‌نماید.

- **خطر محور بودن و تمرکز بر تمامی عوامل خطرزا:** در مدیریت ریسک بزهکاری اطفال، توجه به یک عامل و رفع آن به‌عنوان عامل خطر موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛ زیرا وقتی در بروز بزهکاری عوامل خطر زیادی دخالت دارند؛ بنابراین لازم است متناسب با عوامل خطر، پیشگیری به‌صورت چندجانبه و توجه به همه عوامل خطر باشد؛ پس شناخت عوامل خطر و ارزیابی و شناسایی دقیق عوامل جرم‌زا از طریق ابزارها از الزامات موفقیت در این رویکرد مدیریتی است (Moffat, k. and Maurutto, P. 2003, p. 2).

- **کودک محور بودن و تکیه بر گروه محوری اطفال:** حساسیت دوران کودکی و عمق تأثیری که عوامل خطر یا عوامل حمایت‌کننده بر آنان دارند، این گروه را در رأس گروه‌های در معرض خطر قرار می‌دهد. پیشگیری رشدمدار به دنبال مداخله و رفع عوامل خطرزا از نهادهای جامعه‌پذیری نخستین و کودکان و نوجوانان که در حال ورود یا طی کردن مراحل جامعه‌پذیری مطلوب هستند، اولین اهداف این اقدامات پیشگیرانه‌اند.

- **پیشگیری با ابزارهای کنشی:** رویکردهای پیشگیری رشدمدار مصداق بارز مداخلات کنشی و فعالانه در پیشگیری از وقوع جرم است و رویکردی فعال مبتنی بر توانمندسازی افراد و دگرگون ساختن متغیرها و عوامل خطر فردی و اجتماعی طراحی شده است. در واقع پیشگیری رشدمدار نتایج حاصل از تحقیقات درباره عوامل خطر بزهکاری را با سیاست‌ها و مداخلات پیشگیری پیوند داده، به دنبال تطبیق سیاست‌ها و نظریه‌های پیشگیری با تجربیات مستند و مفید است.

- **ترکیبی بودن:** رشد شخصیت کودکان تحت تأثیر عوامل درونی و عوامل محیطی است که خطر در این محیط‌ها بر یکدیگر اثرگذارند و هرچه تعداد این خطرها بالاتر باشد، احتمال سقوط کودک در ورطه بزهکاری بیشتر خواهد بود. اجرای مداخلات پیشگیرانه رشد مدار به روش «تفنگ ساچمه‌ای» به معنی این که هر چه تعداد بیشتری از عوامل خطر را مورد هدف قرار دهیم، ضریب موفقیت پیشگیری از بزهکاری بالاتر خواهد بود.

- **سادگی:** پیشگیری رشدمدار و خطر محور از این امتیاز اساسی برخوردار است که درک

و تفهیم آن بسیار ساده بوده، به سهولت موردپذیرش سیاست‌گذاران دستگاه‌های جنایی و مردم واقع می‌شود. این امر خود از دلایل اقبال عمومی در سطوح بین‌المللی و ملی برنامه‌های پیشگیری رشدمدار به شمار می‌آید.

ارتباط پیشگیری رشدمدار با مدیریت ریسک بزهکاری اطفال

پیشگیری از جرم در سال‌های اخیر در اولویت سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار گرفته است (Sagant, 2010, P.20). پیشگیری رشدمدار یا زود هنگام که برای کاهش احتمال مزمن شدن بزهکاری در افراد از اقدام‌های روان‌شناسانه اجتماعی زودرس جهت مداخله در فرایند تربیت و رشد کودکان بهره می‌جوید، شامل مجموعه تدابیری است که به منظور تقویت فرایند جامعه‌پذیری کودکان و کاهش احتمال پایداری بزهکاری و پروراندن شخصیت کودکان با تکیه بر ابزارهای سنجشی خانواده‌مدار، مدرسه مدار و اجتماع مدار تکیه می‌کند (موارد، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). در مدیریت ریسک بزهکاری اطفال، بررسی عوامل خطر که کودکان را در معرض بزهکاری قرار می‌دهد و همچنین توجه به عوامل حمایتی در جریان اعمال شیوه‌های پیشگیرانه می‌تواند اطفال را از بزهکاری مصون بدارد؛ در ذیل عنوان خاصی از راهکارهای پیشگیرانه، تحت عنوان «پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال» و یا «مدیریت ریسک بزهکاری اطفال» با رهیافت پیشگیری رشدمدار «تکیه بر اصل کنشی و پیشینی» است (طه، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵).

در عمل، در مدیریت ریسک بزهکاری اطفال می‌توان از تلفیق سه دسته از انواع پیشگیری بهره برد، پیشگیری رشدمدار، جامعه‌وی، مردمی و وضعی که مداخلات پیشگیری رشدمدار برای جلوگیری از رشد و توسعه پتانسیل جنایی در افراد است که خصوصاً هدف آن ارزیابی و شناسایی عوامل خطر و عوامل حمایتی در پروسه رشد کودکان است. نیاز جامعه در طرح این رهیافت جدید از مدیریت ریسک جرم با عنوان مدیریت ریسک بزهکاری اطفال (رشدمدار) روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. پیشگیری رشدمدار بسیاری از چالش‌های مدیریت ریسک جرم کیفری و غیرکیفری را دارا نیست؛ از این جهت که ریشه‌ای‌ترین و اصولی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از ابتدایی‌ترین گروه انسانی جامعه است که با تغییر تفکر و ساختار تربیتی می‌تواند زمینه‌ساز آینده‌ای بدون بزهکاری و جرم برای جامعه باشد.

یافته‌های پژوهش

امروزه دستیابی به امنیت در جوامع از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نظریه مدیریت ریسک جرم که ریشه در علوم مدیریتی و برای حل مشکلات و معضلات بحرانی دارد، برای رفع مشکلات مختلف سیاست‌های جنایی، با برنامه‌ها و فرایندهای متعدد و متنوع خود، مطرح شده است. اساس مدیریت ریسک جرم بر مجازات مجرمان خطرناک با به کنترل در آوردن آن‌ها و اقدامات پیشگیرانه به جهت ناتوان سازی گزینشی گروه‌های هدف در مدیریت ریسک جرم افراد کم‌ریسک است که از طریق ابزارهای مدیریت ریسک پیشگیرانه وضعی از طریق موقعیت‌ها و وضعیت‌های جرم زا برای کاهش یا ریشه کنی موقعیت ارتکاب جرم از جامعه است. در این نظام مدیریتی، گاهی حقوق انسانی افراد بزهکار نادیده گرفته می‌شود و گاهی افراد کم‌ریسک به اشتباه به عنوان مجرمان پرخاطر به ناحق مجازات سنگین را متحمل می‌شوند. گاهی مجرمان پرخاطر شناسایی نمی‌شوند و آزادانه به اعمال مجرمانه خود ادامه می‌دهند. با توجه به رویکرد ریسک‌مدار جرم این افراد را طبقه بندی کرده، گروه‌های کم‌ریسک و پرریسک را تحت شناسایی قرار می‌دهیم؛ از طرف دیگر، با اعمال رویکرد پیشگیرانه مدیریت ریسک، پیشگیری‌های غیرکیفری و کیفری را در خصوص بزهکاران و مجرمان مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در رهیافت غیرکیفری مدیریت ریسک جرم وضعی نیز چالش‌هایی هست که از آن جمله می‌توان اختصاص هزینه‌های هنگفت جهت تجهیز جامعه برای ایجاد موقعیت امنیتی جهت حذف موقعیت‌های معد جرم‌زایی را مثال زد. با تجهیز جامعه به این نوع سازوکارها (دوربین مدار بسته، نگهبان، حصار، تقویت بدن در فرودگاه‌ها و...) یک سری از آزادی‌های مدنی افراد نقض و موجب ایجاد ترس از جرم در جامعه می‌شود. نقص آزادی‌های فردی، تبعیض در دسترسی به برخی خدمات با ورود به برخی مکان‌ها، ترس از جرم و امنیتی شدن جامعه می‌تواند امنیت را متزلزل سازد. پیشگیری وضعی که محور اصلی بیشتر تالیفات و مطالعات جرم‌شناسانه است که در خصوص مدیریت ریسک جرم آمده است، کارآمدی و پوشش کافی را برای مقوله پیچیده و حساس و ریشه‌ای مدیریت ریسک بزهکاری اطفال نخواهد داشت. با توجه به دوره سنی اطفال به خصوص و قواعد تقنینی در اکثر کشورها مبنی بر عدم مسؤلیت کیفری اطفال و

حتی عدم مسؤولیت فردی صغار در خصوص مسؤولیت مدنی آن‌ها اعمال عدالت واقعی گاهی معطل می‌ماند؛ زیرا نمی‌توان اعمال بزهکارانه از سوی اطفال را نادیده گرفت. می‌توان اذعان داشت که گاهی اطفال مرتکب بزه‌های خشن و گاهی سخت و پیچیده می‌شوند؛ لذا می‌توان گفت روش پیشگیری نیز باید متفاوت باشد و از تحولات پیشگیرانه مدیریت ریسک جامعه ریسک‌مدار و پیشگیری مدیریت ریسک رشدمدار پیروی کرد؛ با توجه به این که سیستم‌جنایی مدیریتی معایب نظریات جرم‌شناسانه را از کارکردهای تئوری محض به کارکردهای عملی و کارآمد در جامعه بدل کرده است و با هدف برقراری امنیت به دسترسی کاهش جرایم منجر شده است؛ بنابراین با توجه به مفهوم بزهکاری که خاصه مربوط به جرایم اطفال می‌شود، بر آن شدیم با طرح ایده مدیریت ریسک بزهکاری اطفال (رشدمدار) شیوه مدیریتی نوین در این رویکرد جنایی ایجاد کنیم. در نتیجه دستیابی به یک سیاست جنایی منطبق بر قواعد مدیریت ریسک در حوزه بزهکاری اطفال نه تنها از طرق غیرکیفری ممکن است، بلکه پیشگیری‌های منطبق بر افراد این گروه که همان پیشگیری زودرس و رشدمدار است، روش مؤثری بر کاهش و حذف بزهکاری از جامعه می‌باشد.

منابع

- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۰)، *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- جان‌جان، فاطمه و امیرحمزه سالارزایی (۱۳۹۰)، «سیاست جنایی برگرفته از آیات قرآن کریم»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۹۹-۱۱۸
- جان‌گراهام (۱۳۸۳)، «تأثیر مداخله‌های زودهنگام روان‌شناختی، اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری»، ترجمه یاسمن خواجه نوری، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۴۸-۴۹
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۳)، *ترمینولوژی حقوقی*، انتشارات گنج دانش.
- جهانی، ارشد (۱۳۹۴)، *مطالعه جرم‌شناختی حبس خانگی اطفال و نوجوانان*، پایان‌نامه فارسی، کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد تبریز
- چرچیان بیابانی، نگین (۱۳۹۴)، *مدیریت ریسک جرم در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه سراسری تبریز

- خانعلی‌پور و سکینه اجارگاه (۱۳۹۰)، *پیشگیری فنی از جرم درآمدی بر مدیریت جرم شناختی ریسک جرم، تهران، میزان*
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)، «*رهیافتی نوبه بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم*»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۹
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۷)، *مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان*، نشر فقهی. چاپ اول
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۸ و ۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی، تبریز، فروزش*، چاپ اول
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران، نشر میزان*، چاپ اول
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵)، *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، نشر مجد. چاپ اول
- شاملو، باقر (۱۳۹۰)، *عدالت کیفری و اطفال*، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- صاحب‌جمع، لیللا (۱۳۹۰)، *پیشگیری زودرس از بزهکاری در سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی گروه حقوق دانشگاه تبریز
- طه، فریده (۱۳۹۰)، *بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد/ نوجوانان در معرض خطر بزهکاری*، تهران، نشر میزان
- عباچی، مریم (۱۳۸۳)، «*پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان*»، *مجله حقوق دادگستری*، شماره ۴۷
- عباسی، مجتبی (۱۳۹۴)، *بزهکاری اطفال*، تهران، نشر مجد، چاپ اول
- کوشا، مختار (۱۳۹۳)، «*پیشگیری غیر کیفری از وقوع جرم از تئوری تا عمل*»، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کهکیلویه و بویر احمد*، دوره هفتم، شماره ۱۵
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، چاپ چهارم
- متولی زاده، نفیسه (۱۳۸۶)، «*پیشگیری رشد مدار*»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال دوم، شماره دوم

- محمد نسل، غلامرضا(۱۳۸۷)، «رویکردهای پلیسی برای پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم
- مدنی قهفرخی، سعید و امیرحمزه زینالی(بی تا)، آسب شناسی حقوق کودکان در ایران با تأکید بر کودک آزاری، تهران، میزان
- مسعودی فر، رضا، «مصاحبه معاون پیشگیری از وقوع جرم دادگستری تبریز»، خبرنامه فارس، شماره خبر ۶۰۰۲/ع/چ/۳۰۰۰
- معظمی، شهلا(۱۳۸۸و۱۳۹۳)، بزهداری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول و چاپ دهم
- مهدوی، محمود(۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم پیشگیری رشد مدار، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول
- مؤذن زادگان، حسنعلی(۱۳۸۳)، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنشهای اجتماعی در علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۰)، نابهنجاری و بزهداری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ پنجم
- نیازپور، امیرحسن(۱۳۹۱)، «گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهداری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۶
- هاتفی، محمدعلی(۱۳۸۶)، «بررسی مقایسه‌ای روش‌های کنترل و پایش ریسک پروژه‌ها»، تهران، گروه پژوهشی آریانا، سومین اجلاس بین‌المللی مدیریت پروژه
- هوارد، جان(۱۳۸۳)، «پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی»، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱
- وظیفه، علی‌رضا(۱۳۹۱)، جنسیت و بزهداری با نگاهی به قوانین کیفری ایران، با شهلا معظمی، تهران، کتاب آوا، چاپ دوم

- Farrington and Welsh(2008) early development crime prevention in sholomo gioro shoham, international handbook of penology and criminal justice
- Moffat, K.H. and Maurutto, P. (2003), youth risk / need Assessment: An Overview of Issues and Practices (1998), Toronto University
- National crime prevention (Australia), (1999) Pathways to perevention, developmental and early intervention approaches to crime in Australia, Full report
- Sagant, Valeri and Shaw, Margaret (2010), international report on crime prevention and community safety: trends and perspectives, ICPC publication, Un, handbook on the Crime Perevention guidelines (making them work),Un publication